

عزتمندی واقعی نجات اقتصاد است



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

کوروش احمدی در مراسم افتتاحیهٔ نمایشگاه بین‌المللی اقتصاد

در دو، سه روز اخیر شاهد موضع‌گیری‌های ضدونقیضی درباره برگزاری دور دوم مذاکرات در اسلام‌آباد بوده‌ایم. در حالی که شرکت ایران در مذاکرات تا دیروز روشن نبود، فرض پاکستان و آمریکا برگزاری مذاکرات در سه‌شنبه یا چهارشنبه است. اعلام ترامپ مبنی بر حضور جی‌دی ونس در این مذاکرات تحول مثتی است؛ چراکه نظر هیئت ایرانی به درستی درباره مذاکره با ویتکاف و کوشر منفی است.

کشمکش‌های روزهای اخیر در آب‌های جنوبی ایران و ابهام در مورد برگزاری دور دوم مذاکرات با توجه به شدت تقابلات، حساسیت اوضاع، فعالیت جریان‌های افراطی در دو کشور و نقش همیشه مخرب اسرائیل غیرمنتظره نبوده و نیست. به‌علاوه، طبیعی است که دو کشور بعد از یک جنگ ویرانگر ۴۰روزه هیچ اعتمادی به هم نداشته باشند و آتش بس در چنین شرایطی شکننده باشد. آنچه در این میان مهم است، تمرکز بر دو هدف عالی است که باید در دستور کار هیئت ایرانی باشد: ۱. جلوگیری از تجاوز مجدد و ویرانی دارایی‌های مشترک همه ایرانیان در این سرزمین تاریخی و ۲. حرکت در جهت لغو کامل تحریم‌های ظالمانه آمریکا.

شاید بتوان گفت هر دو این اهداف در این دوره بیش از هر زمان دیگر در دسترس‌اند. روشن است که ترامپ و نتانیاهو که از فرصت غافلگیری و شوک اولیه در دو، سه روز اول تجاوز به خاک ایران و ترور مقامات نتوانستند طرفی ببینند و نظام سیاسی و جامعه ایران تاب‌آوری ارزشمندی را به نمایش گذاشت، اکنون برای ترامپ باید روشن شده باشد که از طریق ادامه جنگ امکان دسترسی به اهدافش را ندارد. اما جنبه منفی تکرار جنگ برای ترامپ این است که شکست او در نیل به اهدافش برجسته‌تر کرده و او را در داخل و در سطح بین‌المللی با مشکلات بیشتری مواجه خواهد کرد. به این دلیل، باید احتمال داد که ترامپ در پی فرصتی برای خروج از جنگ با حداقلی از آبرومندی است. اما باید در نظر داشت که او هم‌زمان بدون امتیازی که قابل ارائه در داخل آمریکا باشد، کار را رها نخواهد کرد. چنین شرایطی یک تیغ دو دم است که هم می‌تواند کمک بزرگی به ایران باشد و هم تهدیدی جدی علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران.

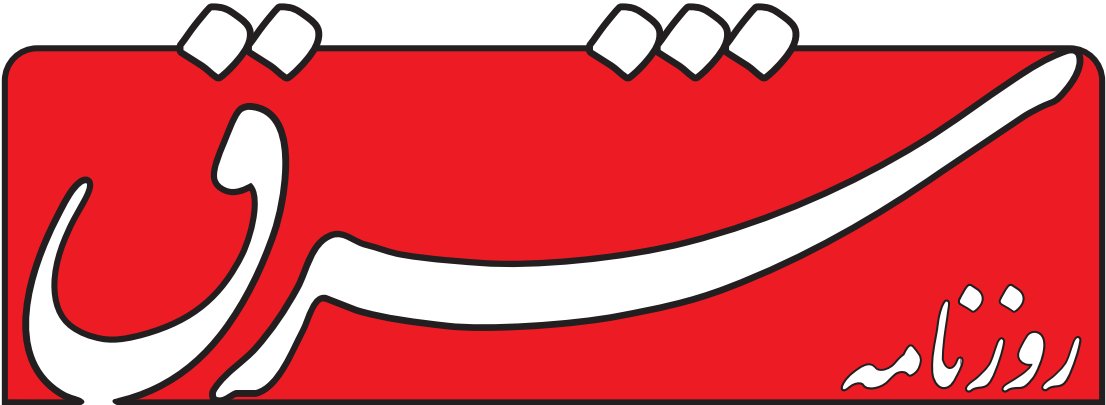
هدف دوم ایران یعنی لغو تحریم‌ها نیز اکنون بیشتر از ادوار گذشته در دسترس به نظر می‌رسد. در صورتی‌که توافقی بین ایران و آمریکا حاصل شود، ترامپ که جمهوری‌خواهان کنگره را از کنترل خود دارد، می‌تواند کنگره را در جهت تأیید آن سوق دهد. دموکرات‌ها نیز طبعاً مخالفتی نخواهند داشت. تا آنجا که به نقش همیشه مخرب اسرائیل نیز برمی‌گردد، بی‌شک هیچ‌گاه تاکنون موقعیت افراطی‌های اسرائیل و در رأس آنها نتانیاهو، در بین مردم آمریکا تا به این حد ضعیف نبوده است. نتیجه نتانیاهو کمترین بخت را برای بار برای اخلال در یک توافق احتمالی خواهد داشت.

از طرفی به نظر می‌رسد امکان توافق نیز در شرایط کنونی بیش از هر دوره‌ای در گذشته است. آمریکا و ایران تا حداکثر ممکن در تقابل خود پیش رفتند و حداکثر خساراتی را که می‌توانستند به هم وارد کردند. اکنون عملاً موارد مورد اختلاف به غنی‌سازی تقلیل یافته است. همان‌طور که نگارنده همیشه تأکید داشته است، برنامه موشکی ایران و مسائل منطقه‌ای مدنظر ترامپ نیست. از طرفی، تصور اشتباه کسانی که غنی‌سازی را برای بازدارندگی از جنگ لازم می‌دانستند نیز عیان شده است. در غیاب برنامه‌ای برای ساخت بمب، تنها هدف دیگری که محموله ۴۶۰ کیلو اورانیوم ۶۰ درصد می‌توانسته داشته باشد، استفاده از آن به‌عنوان یک حربه مذاکراتی بوده است. نیاز ایران به غنی‌سازی نیز حداقل در شرایط کنونی، در حدی نیست که تن‌دادن به جنگ بسیار مخرب دیگری برای حفظ آن را توجیه کند. در نتیجه، اکنون زمان استفاده از این حربه در مذاکرات است با هدف نجات ایران از یک بحران بزرگ. با حل این مشکل اصلی، بالطبع تنگه هرمز نیز ی‌می‌تواند به شرایط عادی برگردد یا هر خواسته‌ای که ایران دارد، تنها از طریق تفاهم با جامعه بین‌المللی قابل حل خواهد بود.

بزرگ‌ترین پیروزی در خاتمه این جنگ و مذاکرات مربوطه، شکل‌گرفتن یک چشم‌انداز مثبت اقتصادی برای مردمی است که تاکنون رنج‌های بسیار برده‌اند. در شرایطی که عزتمندی واقعی در برکشیدن اقتصاد کشور است، ایجاد امید در جامعه بزرگ‌ترین پیروزی در جنگ خواهد بود.

سه‌شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵
۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۷
۲۱ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۶۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه



گزارش «شرق» امروز می‌خوانید:
قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا: به دلیل حفظ جان خانواده کارکنان کشتی ایرانی، عملیات علیه متجاوزان آمریکایی به تعویق افتاد.
• سخنگوی دولت: زنجیره تأمین امنیت غذایی کاملاً برقرار است

صداوسیما آنتن نمی‌دهد

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۵ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس:پناهگاه اطلاع رسانی جمهوری

«شرق» از تأکید رئیس‌جمهور بر ضرورت به‌کارگیری رویکرد عقلانی در مواجهه با تحولات جاری کشور گزارش می‌دهد

بازتعریف نسبت «مقاومت» «عقلانیت» و «بازسازی»

امکانات و فرصت‌های رشد، صرفاً در چند قطب جمعیتی خاص در کشور جست‌وجو کرد.

به‌عنوان مثال اینکه در یک دهه اخیر ما با سونامی انواع بیماری‌ها و سرطان‌ها در استان اصفهان مواجه هستیم، به دلیل آن است که ۷۰ درصد از فعالیت‌ها و جمعیت استان تنها در هفت درصد مساحت استان متمرک شده و بارگذاری جمعیت و فعالیت بیش از توان سرزمین در این محدوده کوچک به‌علاوه تراکم آلودگی‌های ناشی از خودروها، نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ آلاینده سبب آلوده‌سازی گسترده محیط طبیعی استان شده است. همین وضعیت در مشهد و تهران نیز به سبب کمبود شدید منابع آبی و انواع آلودگی‌ها و مخاطرات دیگر سبب به وجود آمدن مناطق شهری به‌شدت شکننده و در آستانه بحران شده است.

ب) تسلط منطق غیراقتصادی در سازمان‌دهی سرزمینی نظام فعالیت‌ها: اغراق نیست اگر گفته شود از آغاز دوره صنعتی‌شدن کشور در اوایل دهه ۱۳۴۰ تا امروز، تنها چیزی که بر صدور مجوزها و هدایت اعتبارات و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فعالیت‌های صنعتی، معدنی و لجستیکی به معنای واقعی کلمه حاکم نبوده است، «منطق اقتصادی» هم از منظر روابط درونی اقتصاد میان نهادهای تولید، دسترسی به مواد اولیه، بازار مصرف، صرفه‌های مقیاس و تجمع و هم از منظر روابط بیرونی اقتصاد به مفهوم فهم از اقتصاد بین‌الملل و جریانات و روندهای اصلی آن، اقتضانات تحول مستمر در زنجیره‌های ارزش و تأمین و الزامات اتصال اقتصاد کشور به اقتصاد منطقه و جهان بوده است.

۴ صفحه
انیمه در صفحه ۴

تأمین‌کننده کلای عمومی و نه مجری صرف سیاست‌ها و مداخله‌گر در توزیع کالا‌های خصوصی با نظام اداری غیرشایسته‌سالار و مبتنی بر گزینش‌های سفت و سخت و خودی و غیرخودی) و کاهش شکاف دولت-ملت، شکافی که جز با حرکت به سمت تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و رقابت‌های حزبی و سیاسی متناسب با سابقه تاریخی این ملت (از برآمدن مشروطه و تأسیس اولین مجلس و نهاد قانون‌گذاری در شرق و…) و حداقل در حد و اندازه‌های همین کشور همسایه (ترکیه) پر نخواهد شد. واقعیت آن است که جامعه ایران جامعه‌ای سیاسی است و در پی دستیابی به ظرف لازم برای سیاست‌ورزی مدرن که همانا احزاب و سازمان‌ها و نهادهای مستقل است و حتی در شرایطی که آن ظرف را در اختیار نداشته، به روش‌های مختلف اعم از رفتار انتخاباتی یا جنبش‌های اجتماعی و مدنی، خواست خود برای حضور و تأثیرگذاری بر توزیع و تنظیم قدرت سیاسی را بروز داده و بر آن اصرار کرده است. از خرداد ۱۳۷۶ تا تیرماه ۱۴۰۳، این البته به معنای آمادگی کامل جامعه ایران برای ایجاد دموکراسی رشدیافته به‌صورتی سریع و یک‌شبه نیست، بلکه بیان این نکته است که این جامعه استعداد و ظرفیت لازم را برای پذیرش مؤلفه‌های دموکراسی به‌عنوان ضرورت توسعه‌ای پایدار و فرارفتن از شبه‌دموکراسی یا دموکراسی فرقه‌ای (اگر این تعبیر درست باشد) داراست. واقعیت آن است که تصور تداوم مسیر گذشته در صورت توافق با اتکا به بازگشت دلار‌ها، بلوکه‌شده و افزایش درآمدهای نفتی یا مثلا اخذ عوارض چند میلیارد دلاری از تنگه هرمز (که بسیار بعید می‌نماید) و بی‌نیازی از حضور و مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (همه ایرانیان و نه بخش‌هایی از آنان) و دولت ضعیف، تصویری سخت اشتباه است؛ چراکه همان‌طورکه در دهه ۵۰ و توسعه اقتدارگرایانه آن سال‌ها جواب نداد

و مهم‌ترین علت انقلاب از دید حتی کاربه‌دستان عاقل و وطن‌پرست آن دوران «پس‌افتادگی ساخت سیاسی و اجتماعی از ساخت اقتصادی» بود (علینقی عالیخانی- خاطرات) و در مقاطع مختلف پس از انقلاب هم با بن‌بست مواجه شد. اینک نیز قطعا به دیوار سخت واقعیت گونه‌گونی و تنوع و تکثر جامعه ۹۰ میلیونی ایرانی و خواست‌ها و مطالبات روزافزون آنان برخورد خواهد کرد.

یادداشت

پساجنگ؛ لحظه آمایش سرزمین



امیرثامنی

دبیر کارگروه آمایش سرزمین برنامه هفتم توسعه

بهتر آمایش سرزمین فراهم کرده است. ازجمله آنها می‌توان به:

الف) تمرکز ناموزون جمعیت: براساس آمار، بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور تنها در ۲۰ درصد مساحت کشور مستقر بوده و تراکم جمعیتی در برخی مناطق شهری ازجمله تهران، اصفهان و مشهد بسیار بالاتر از تراکم میانگین کشوری (بیش از ۲۰ برابر) است. این در شرایطی است که توان آکولوژیک و ظرفیت برد سرزمین در این مناطق در موضوعاتی مانند آب، هوا، خاک، منابع طبیعی، لرزه‌خیزی و… با دشواری‌ها و تکن‌های جدی زیادی روبه‌رو بوده و این مناطق را به بمب ساعتی تبدیل کرده است. از طرف دیگر بسیاری از مناطق مستعد جمعیت‌پذیری در کشور ازجمله جنوب کرمان، سواحل مکران، زاگرس میانی، قلمروهای مرزی و… به سبب برخوردنابودن از امکانات زیرساختی و اقتصادی و نیز فرصت‌های رشد، از جمعیت‌پذیری به‌مراتب پایین‌تری از دیگر مناطق کشور برخوردار هستند. چرایی این واقعیت را باید در تمرکز قدرت اقتصادی و اداری و دسترسی به طیف متنوعی از

یادداشت

چرخش برمدار زندگی



حسین حتقو

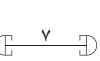
کارشناس اقتصادی

اینک که احتمال ازسرگیری دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا بالا گرفته و با نگاهی خوشبینانه به انجام توافق، توافقی هرچند موقت، شاید بد نباشد به سناریوهای احتمالی پس از آن بیندیشیم. تاریخ اقتصاد سیاسی کشورمان را شاید بتوان به پیش و پس از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ تقسیم کرد. مسیر و منطق این اقتصاد سیاسی تا پیش از این تاریخ و جنگ ویرانگری که نمی‌دانیم فرجامش چیست، درون‌گرایی بوده است، بنابراین در این سال‌ها نوعی تعارض نرم شکل گرفت: «تعارض، به دلیل تنش‌زایی سیاست‌مدار با نظم بین‌الملل و نرم به دلیل اینکه تعارض نباید خیلی جدی شود؛ چون در این صورت ممکن است جنگ شده و همین بنگاه‌های انحصاری متضرر شوند» (روایت مسعود نیلی از توسعه در ایران). اکنون با وقوع جنگ ۴۰روزه و تجاوزگری و ویرانگری‌های آن،

به نظر بر سرر دورا‌ه‌های تاریخی قرار داریم. دورا‌ه‌های که دارای محدودیت‌های ناشی از بازی بزرگی است که روند آن با سرازیرشدن حجم عظیم سرمایه به خاورمیانه و به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس و پروژه‌های بلندپروازانه صنعتی و فناورانه و گردشگری و… آغاز شده است. یک راه آن است که حصول توافق را تغییری تاکتیکی و در مسیر توسعه درون‌گرایی قبل (اجرای حدود هفت برنامه توسعه از سال ۶۸ تاکنون) و راهبرد تعارض نرم بدانیم و وضعیت اقتصادی بسامان و رضایت مردم را بدون تأمین حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و تعامل با جهان و… امکان‌پذیر تصور کنیم؛ آنچه‌ان که گرایشی از نیروهای حامی مذاکره‌کنندگان با آمریکا عنوان می‌کنند: «ایران در ایستادگی بر خطوط قرمز خویش اصلا نگران تهدید و جنگ دیگری نیست؛ چون این باد خالی شده است. اکنون زمان سایش خطوط قرمز آمریکاست، حتی اگر موقتا تعلیق هسته‌ای را داوطلبانه بپذیریم و در مقابل سه تحریم اساسی: ۱. نفتی، ۲. بانکی و ۳. سرمایه‌گذاری را برطرف کنیم. پس از وقفه‌ای که در دل آن قوی‌تر خواهیم شد، به میدان اصلی باز خواهیم گشت. با اقتصاد بهتر و مردمی راضی‌تر، هسته‌ای را ادامه خواهیم داد» (روزنامه جوان- ۱۴۰۵/۱/۲۶). یا آنکه راه دیگری را پس از توافق برگزینیم و از آن بزنگاهی بسازیم برای آغاز دورانی جدید و کشودن افقی نو رو به توسعه و اقتصاد بهتر و مردم راضی‌تر از طریق حضور و مشارکت در اقتصاد جهانی و فرصت‌های منطقه‌ای و افزایش کیفیت نهاد دولت (نهادی سیاست‌گذار و

یادی از یدالله موفن که در ۷۷سالگی درگذشت

مترجم فرهنگ و فلسفه علم



برگزیده‌ها

حدود یک میلیون کارگر ساختمانی بدون برخورداری از بیمه بیکاری با شروع جنگ بیکار شده‌اند

کارگران خانه‌نشین جنگ

۳

آلمان تحت فشار اقتصادی به دنبال تبدیل شدن به زرادخانه اروپا است

چرخش تاریخی از خودرو به موشک

۴

سیاست به‌روز می‌شود

شکل‌های زندگی؛ درباره سیاست پراگماتیستی یا عمل‌گرایانه

۷

سخنگوی وزارت امور خارجه:

پاکستان تنها میانجی میان ایران و آمریکاست

۲

قطع اینترنت چگونه افراد دارای معلولیت را منزوی‌تر کرده است

توقف زندگی

۶

نگاه

چرا موفقیت رسانه‌ای ایران در جهان، در داخل تکرار نمی‌شود؟

یادداشتی از قادر باستانی تبریزی

۸

یادداشت

ققنوس بر فراز آتش

دکترین باززایی پس از جنگ تحمیلی سوم



امیرنیک‌رویان

روزنامه‌نگار

ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، همواره با استعاره «ققنوس» پیوندی ناگسستنی داشته است؛ موجودی اساطیری که نه از آتش می‌هراسد و نه در آن پایان می‌یابد، بلکه هر بار از میان شعله‌های بحران، با شکوهی مضاعف دوباره متولد می‌شود. ایستادگی ایران در نبردهای اخیر، برخلاف تصور بسیاری از تحلیلگران غربی که آن را جرقه‌ای زودگذر می‌پنداشتند، نشانه‌ای از تداوم یک الگوی تاریخی و بلوغ راهبردی در سال ۱۴۰۵ است. بااین‌حال، تفاوت بنیادین این برهه با گذشته در این است که امروز مسئله اصلی دیگر صرفاً «بقا» نیست، بلکه «جنگوتکی تبدیل بقا به توسعه» است. ما دیگر در پی حماسه‌سراییه‌های انتزاعی نیستیم، بلکه در آستانه یک ضرورت راهبردی برای تبدیل اقتدار نظامی به «ثبات پایدار اقتصادی» قرار داریم. پرسش بنیادین اینجاست: ققنوس پس از نبرد، چگونه می‌خواهد زیست‌بوم خود را بازسازی کند تا این بار اقتدارش، نه فقط در میدان، بلکه در شریان‌های تجارت جهانی ریشه بدهاند؟

نخستین و کلیدی‌ترین لایه این باززایی، در بازتعریف مفهوم بازدارندگی نهفته است. نبردهای اخیر به شکلی بنیادین، فرضیه «کارآمدی انحصاری» بازدارندگی هسته‌ای را در تأمین امنیت ملی به چالش کشید. در ادبیات واقع‌گرایی تدافعی، به‌ویژه در آثار کنت ولتز، تأکید می‌شود که دولت‌های عاقل بیش از آنکه به دنبال حداکترسازی قدرت باشند، در پی «حداکترسازی امنیت» هستند. در این چارچوب، ابزارهای امنیتی زمانی مشروعیت می‌یابند که فراتر از قدرت تخریب، دارای «کارایی عملیاتی» باشند. سال‌هاست که جریان‌هایی با نادیه‌گرفتن واقعیت‌های میدان، آدرس سلاح هسته‌ای را به‌عنوان تنها راه نجات می‌دانند؛ اما تجربه اخیر

نشان داد دکترین دفاعی ایران مبنی بر «حرمت سلاح هسته‌ای»، فراتر از یک گزاره اخلاقی یا اعتقادی، یک هوشمندی راهبردی محض بود.

۴ صفحه
انیمه در صفحه ۴